

«فصلنامه علوم تربیتی»

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۹۱

ص.ص. ۷۷-۹۲

بررسی رابطه سبک‌های شناختی (وابسته به زمینه، ناپسته به زمینه) با یادگیری و شیوه‌های مطالعه در بین دانش‌آموزان دختر پایه سوم رشته‌های نظری دبیرستان‌های شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

دکتر یوسف ادیب^۱

دکتر اکبر رضائی^۲

صدیقه صبحی‌لاله^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۱۰

چکیده:

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی سبک‌های شناختی (وابسته به زمینه، ناپسته به زمینه) با یادگیری و شیوه‌های مطالعه در بین دانش‌آموزان دختر پایه سوم رشته‌های نظری دبیرستان‌های شهر تبریز صورت پذیرفته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-همبستگی بود و اطلاعات از طریق آزمون اشکال نهفته (GEFT) و پرسشنامه استراتژی‌های انگیزشی برای یادگیری (MSLQ) جمع‌آوری گردیده است، جامعه‌ی آماری تحقیق کلیه دانش‌آموزان سال سوم متوسطه (شاخه نظری) نواحی ۵ گانه شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد که تعداد آنان ۶۸۲۱ نفر می‌باشد و ۳۶۴ نفر از این جامعه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه‌های تحقیق پاسخ دادند. ابزارها دارای روایی و پایایی قابل قبولی بودند و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۱۷ استفاده شد که نتایج تحقیق نشان داد: سبک غالب شناختی دانش‌آموزان ناپسته به زمینه است. بین سبک‌های شناختی (وابسته/ ناپسته به زمینه) و شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. بین سبک‌های شناختی (وابسته/ ناپسته به زمینه) دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی نظری تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

واژگان کلیدی: سبک‌های شناختی (وابسته/ ناپسته به زمینه)، شیوه‌های مطالعه و یادگیری.

۱. دانشیار دانشگاه تبریز

۲. استادیار دانشگاه پیام نور.

۳. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، تبریز، ایران.

مقدمه:

پیشرفت‌های شگفت‌انگیز انسان در دنیای امروز زاینده‌ی یادگیری است. انسان‌ها در تعاملات خود، در طریق فرآیند یادگیری تجربیات را به یکدیگر منتقل می‌کنند. امروزه همه به اهمیت آموزش و پرورش واقف هستند و به آن خاطر در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش از اهمیت بالایی برخوردار است و فرآیند یادگیری در نظام آموزش و پرورش جوهره‌ی اصلی به حساب می‌آید اگر آموزش و پرورش بتواند سطح یادگیری دانش‌آموزان را بالا برد، بی‌شک به راحتی می‌تواند به اهداف خود دست یابد. آموزش و پرورش در رشد اجتماعی و فردی افراد نقش اساسی ایفا می‌کند و برای این کار باید راه‌های اصولی را طی کند تا بتواند رشد فردی را عمیق‌تر کرده و هماهنگی در رشد اجتماعی بوجود آورد و در این راستا و همگام با آن فقر، محرومیت، جهل، ظلم، ناآگاهی و... را کاهش دهد (ابرامی، ۱۳۷۵).

یادگیری یکی از ابزارهای مهم آموزش و پرورش است. یادگیری و افزایش اطلاعات علمی باعث بوجود آمدن چنین جوامعی شده است و یادگیری می‌تواند با به فعلیت رساندن تمام قوای درونی انسان‌ها بر مشکلات بوجود آمده فائق آید (سیف، ۱۳۸۹). یکی از عوامل مؤثر بر یادگیری در میان دانش‌آموزان، سبک‌های یادگیری است. به طوری که هر فرد متناسب با سبک یادگیری خود، مطالب را اخذ می‌کند که برای رسیدن به سطح مطلوب در یادگیری، باید به تفاوت‌های موجود در میان دانش‌آموزان و سبک یادگیری آن‌ها توجه کرد. توجه به سبک‌های یادگیری می‌تواند تجربیات دانش‌آموزان را تغییر دهد به عبارتی دیگر اگر در فرآیند یادگیری و تدریس به توان سبک‌های شناختی افراد توجه شود و فرآیند یادگیری را مطابق با آن تطبیق داد تجربه موفقیت بیشتر شده و فرد از یادگیری خود احساس رضایت خواهد کرد. در نتیجه اعتماد به نفس بیشتری را احساس خواهد کرد. مفهوم یادگیری در طول زندگی بشر، یکی از مفاهیم مورد توجه بوده است. علاوه بر عوامل از پیش داشته از قبیل شخصیت، بهره‌هوشی، زمینه خانوادگی، جنس و سن، عوامل اکتسابی نیز بر این امر تأثیرگذار می‌باشند که سبک یادگیری، منبع کنترل، راهبردهای انگیزشی برای یادگیری و شیوه‌های مطالعه از آن جمله‌اند (فورست^۱، ۲۰۰۴). یکی از موضوعاتی که از دهه هفتم قرن بیستم تاکنون در پژوهش‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته، سبک‌های دانش‌آموزان در فراگیری مطالب است در این زمینه سبک‌های شناختی وابسته به زمینه و وابسته به زمینه ویتکین با توجه به کاربردهای روزافزون آن تحقیقات وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند. سبک‌های شناختی شیوه‌های نسبتاً ثابتی هستند که افراد با استفاده از آن‌ها اطلاعات را دریافت کرده، پردازش می‌کنند و به آن سازمان می‌بخشند (هان^۲، ۱۹۹۵، نقل از همایونی و عبدالهی، ۱۳۸۲).

راهبردهای یادگیری اصطلاحاً به انواع زیادی از فعالیت‌های ارادی و توأم با آگاهی گفته می‌شود که توسط دانش‌آموزان برای رسیدن به هدف‌های یادگیری اتخاذ می‌شوند. راهبردهای یادگیری را به

1. Forrest
2. Hohn

راهبردهای شناختی (راهبرد مرور ذهنی، بسط‌دهی و سازمان‌دهی) و راهبردهای فراشناختی (راهبرد طرح‌ریزی و نظارت بر درک) و راهبردهای خودنظم‌دهی (راهبرد نظارت بر تلاش و راهبرد عاطفی) تقسیم می‌کنند. پژوهش‌های مربوط به راهبردهای شناختی و فراشناختی حاکی از آن است که توانایی یک فرد در فراگیری، وابسته به آن است که به چه میزان از این راهبردها استفاده می‌کند. هرچه از این راهبردها بهتر استفاده کند، می‌تواند در یادگیری مطالب موفق باشد. نکته جالب این است که این راهبردها اکتسابی هستند و می‌توان آن‌ها را آموزش داد (وطن‌پرست، ۱۳۸۰).

پس بر معلمان ضروری است که سبک‌های یادگیری فراگیران خود را بشناسند و برای رسیدن به نتیجه مطلوب خود را با آن هماهنگ سازند. بنابر مسائلی که در زمینه سبک‌های شناختی و شیوه‌های مطالعه و یادگیری به آن‌ها اشاره شد این مطالعه درصدد آن است تا سبک‌های شناختی و شیوه‌های مطالعه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ را مورد بررسی قرار دهد.

پیاژه^۱ معتقد است که ساخت‌های شناختی فقط زمانی توسعه می‌یابند که دانش‌آموزان تجارب یادگیری خود را، خود بنا نهند. همچنین عقیده دارد که آموزش باید مطابق با سطوح رشد فرد باشد و اگر بیش از سطح رشد فرد باشد، یادگیری صورت نمی‌گیرد. وی تأکید می‌کند که ساخت شناختی فرد در تعامل با محیط تحول می‌یابد و دانش واقعی زمانی به دست می‌آید که در نتیجه رشد صورت گیرد (سیف، ۱۳۸۰). از اظهارات پیاژه چنین دریافت می‌شود که مدرسه و معلم باید امور را برای تجارب یادگیری ترتیب دهند و تفکر مرتبط با مرحله‌ی رشد را تسهیل کنند.

در میان انواع سبک‌های شناختی که تا به امروز شناخته شده، سبک‌های وابسته به زمینه^۲ و ناپسته به زمینه^۳ توجه زیادی را به خود معطوف داشته است. سبک‌های وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه گویای آن است که قضاوت‌های شخصی بعضی یادگیرندگان تحت تأثیر زمینه‌ی موضوع یادگیری قرار می‌گیرد. در حالی که برای بعضی یادگیرندگان دیگر تأثیر زمینه بسیار اندک است یا اصلاً وجود ندارد (ویتکن^۴ و گودیناف^۵، ۱۹۷۷، به نقل از همایونی و عبدالهی، ۱۳۸۲). این سبک یادگیری بر نحوه یادگیری، ساختار و پردازش اطلاعات تأثیر گذاشته و نحوه ادراک، تفکر، حل مسئله و یادگیری افراد را متأثر می‌سازد (پیترز^۶، ۲۰۰۲).

وول فولک (۲۰۰۴) سبک‌های شناختی را به عنوان «راه‌های متفاوت دریافت و سازماندهی اطلاعات تعریف کرده است». دی چکو و کرافورد^۷ (۱۹۷۴، نقل از خرازی و دولتی، ۱۳۷۵) اظهار می‌دارند که

1. Piaget
2. Field dependence
3. Field independence
4. Witkin
5. Goodenough
6. Peters
7. Crawford & Dececo

سبک‌های شناختی بر روش‌های مورد استفاده یادگیرنده برای پردازش اطلاعات در یادگیری مفاهیم و اصول تازه دلالت دارد. یکی از سبک‌های شناختی معروف که توسط ویتکین^۱ شناسایی شده و تحقیقات زیادی در پی داشته، سبک وابسته به زمینه (FD) و نابسته به زمینه (FI) است. افراد وابسته به زمینه از لحاظ روانی از دیگران و از محیط خارج خود تمایز یافتگی کمتری دارند و در فعالیت‌های شناختی خود اتکای زیادی به نشانه‌های خارجی محیطی دارند. در مقابل افراد نابسته به زمینه از لحاظ روانی از محیط و افراد دیگر تمایز یافته‌اند و در فعالیت‌های شناختی خود بیشتر پاسخگوی نشانه‌هایی هستند که خود پدید آورده‌اند و کمتر به محرک‌های خارجی وابستگی دارند (خرازی و دولتی، ۱۳۷۵). به افراد دارای سبک وابسته به زمینه کلی نگر و به افراد دارای سبک نابسته به زمینه تحلیلی نگر می‌گویند، زیرا گروه اول شکل و زمینه را در یک ترکیب کلی می‌بینند و لذا جداسازی شکل از زمینه برای آنان دشوار است، اما افراد گروه دوم شکل و زمینه را از هم جدا می‌بینند و لذا به راحتی می‌توانند آنها را از هم جدا کنند (سیف، ۱۳۸۶). سبک‌های شناختی سبک وابسته به زمینه و نابسته به زمینه تلویحات آموزشی مهمی دارند. افراد دارای سبک‌های شناختی متفاوت در موقعیت‌های یادگیری به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند. از نظر پردازش اطلاعات، بسته به سبک شناختی، آزمودنی‌ها به جنبه‌های متفاوت اطلاعات توجه می‌کنند و در رمزگذاری، ذخیره و یادآوری اطلاعات و به طور کلی، در تفکر و درک مطلب به راه‌های متفاوت عمل می‌کنند (تیناجرو^۲ و پاراموم^۳، ۱۹۹۸، نقل از آزادی، ۱۳۸۷).

دان، دان و پرایس^۴ (۱۹۸۵)، بیست و دو عنصر مرتبط با سبک یادگیری را شناسایی کرده‌اند. این عناصر به ابعاد زیر وابسته هستند:

- بعد محیطی^۵: ترجیحاتی از قبیل روشنایی در مقابل نور کم، وجود سروصدا یا نبود آن، محیط گرم در مقابل محیط سرد کلاس‌های درس رسمی یا غیررسمی.
- بعد عاطفی^۶: افراد از نظر سطوح انگیزش و ثبات قدم و نیز از نظر مسائلی از قبیل میزان مسئولیت‌پذیری در مقابل نبود توافق و همدلی، از یکدیگر متمایز می‌شوند.
- بعد جامعه شناختی^۷: ترجیحاتی در خصوص نحوه‌ی فعالیت و همکاری - یعنی اینکه مثلاً، انفرادی باشد یا در قالب گروه‌ها، یا به صورت دو نفره.

1. Witkin
2. Tinajero
3. Paramo
4. Dunn, Dunn and Price
5. Environmental
6. Emotional
7. Sociological

- بعد جسمی^۱: به قوای ادراکی فرد اشاره دارد، مانند اینکه آیا فرد، یادگیرنده شنیداری است یا دیداری یا لامسه‌ای. این بعد، همچنین شامل ترجیحات اوقات روز نیز می‌شود - یعنی اینکه آیا فرد ترجیح می‌دهد در هنگام صبح یاد بگیرد یا در عصر.

- بعد روانشناختی^۲: این بعد به مواردی مثل این اشاره دارد که آیا فرد تکانشی است یا تأملی (گریگز^۳، ۱۹۹۱؛ به نقل از بنتهام، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

دمبو^۴ (۱۹۹۴) بیان می‌کند که یادگیرندگان وابسته یا ناپسته به زمینه با محیط خود به طور متفاوت برخورد می‌کنند. اشخاصی که وابسته به زمینه‌اند جذب دیگران می‌شوند، شغل‌هایی را که مستلزم ایجاد رابطه با دیگران است مانند معلمی بر می‌گزینند و موضوع‌های درسی نظیر علوم اجتماعی را که بیشتر با مردم سروکار دارند انتخاب می‌کنند. از سوی دیگر، افراد ناپسته به زمینه مشاغلی را که نیاز چندانی به تعامل اجتماعی ندارند مانند اخترشناسی و مهندسی ترجیح می‌دهند و موضوع‌های درسی نظیر ریاضیات و علوم را که تأثیر چندانی بر امور انسان‌ها ندارند انتخاب می‌کنند (به نقل از سیف، ۱۳۸۰).

استراتژی‌های شناختی: بنا به تعریف "استراتژی شناختی به هرگونه رفتار، اندیشه یا عمل گفته می‌شود که یادگیرنده در ضمن یادگیری مورد استفاده قرار می‌دهد و هدف آن کمک به فراگیری، سازمان‌دهی و ذخیره‌سازی دانش‌ها و مهارت‌ها و نیز سهولت بهره‌برداری از آنها در آینده است" (سیف، ۱۳۸۰). بنابراین، استراتژی‌های شناختی ابزارهای یادگیری هستند و ما به کمک این استراتژی‌ها اطلاعات تازه را برای ترکیب با اطلاعات قبلاً آموخته شده و ذخیره‌سازی آنها در حافظه دراز مدت آماده می‌کنیم. رابرت گابینه اصطلاح استراتژی‌های شناختی را به معنای وسیع‌تری به کار می‌برد و آن را هم شامل جنبه‌های فراشناخت و هم استراتژی‌های شناختی می‌داند. وی استراتژی شناختی را چنین تعریف می‌کند: "مهارت‌هایی که به وسیله‌ی آن فراگیرنده فرآیندهای درونی توجه، یادگیری، یادآوری و تفکر خود را کنترل می‌کند" (۱۹۸۵: ۵۵؛ به نقل از لفرانسوا، ۱۳۸۰).

شناخت راهبردهای یادگیری از چند جهت حائز اهمیت است: یکی اینکه معلم راهبردهای یادگیری خود را با راهبردهای تدریس دانش‌آموزان هماهنگ می‌کند. دوم اینکه؛ در صورت آگاهی از اینکه دانش‌آموزان با راهبردهای یادگیری آشنا نیستند، یا از راهبردهای یادگیری به درستی استفاده نمی‌کنند، می‌توان راهبردهای یادگیری را به آنها آموزش داد، آگاهی از سبک یادگیری می‌تواند به دانش‌آموزان برای توسعه خودکفایی در یادگیری کمک کند (لاتن و وایر^۵، ۲۰۰۲؛ به نقل از راید^۶، ۲۰۰۳).

-
1. Physical
 2. Psychological
 3. Griggs
 4. Dembo
 5. Laten&Wayier
 6. Ride

هان (۱۹۹۵، نقل از همایونی و عبدالهی، ۱۳۸۲) سبک‌های یادگیری را به سه دسته عاطفی، فیزیولوژیکی و شناختی تقسیم می‌کند. سبک‌های عاطفی شامل ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی یادگیرنده هستند. مثل پشتکار یادگیرنده و کار کردن به تنهایی یا با دیگران، سبک‌های فیزیولوژیکی جنبه زیست شناختی یادگیرنده را نشان می‌دهند و بر واکنش‌های او نسبت به محیط فیزیکی همچون مکان مطالعه، میزان نور و صدا و... دلالت دارند. سبک‌های شناختی به شیوه‌های نسبتاً ثابتی که افراد با استفاده از آنها اطلاعات را دریافت و سازماندهی کرده و مفهوم می‌بخشند، اشاره دارند.

در میان ابعاد سبک‌های یادگیری که تا به امروز مشخص شده، سبک وابسته/نابسته به زمینه توجه زیادی را مخصوصاً به علت کاربردهای تحصیلی آن به خود معطوف داشته است (نقل از آزادی، ۱۳۸۷). یادگیرندگان وابسته به زمینه کلی گرا هستند (هان، ۱۹۹۵، نقل از همایونی و عبدالهی، ۱۳۸۲) و به نکات اصلی تکلیف پاسخ می‌دهند (وول فولک، ۲۰۰۴) در حالی که یادگیرندگان نابسته به زمینه تحلیلی عمل می‌کنند و بیشتر تمایل دارند تا یک الگو را به بخش‌های مختلف تجزیه کنند و به جزئیات اصلی آن توجه نمایند (الهی، ۱۳۸۱).

روش‌های آموزش مهارت‌های یادگیری و مطالعه:

۱- روش پس ختام:

یکی از روش‌های موفق مطالعه و یادگیری روشی است که با نام PQ4R شناخته شده است. سرواژه PQ4R از حروف اول شش مرحله این روش مطالعه یعنی؛ Preview (پیش خوانی)، Question (سؤال کردن)، Reading (خواندن)، Reflect (تفکر)، Recite (از حفظ گفتن) و Review (مرور کردن) درست شده است. از ترکیب حروف اول واژه‌های فارسی این شش مرحله سرواژه پس ختام ساخته می‌شود (سیف، ۱۳۸۰).

- مرور کردن:

وقتی که خواندن تمام کتاب یا کل مطلب را به پایان رساندید، آن را مرور یا بازبینی کنید. بهترین راه مرور کردن این است که بکوشید تا، بدون مراجعه به متن، سؤال‌های مهم مربوط به آن را جواب دهید، قسمت‌هایی را که نمی‌توانید به سؤال‌های آنها جواب دهید دوباره بخوانید. دوباره خواندن نوعی مرور کردن است (همان منبع).

۲- روش مردر:

روش دیگر مطالعه و یادگیری، روش مردر (MURDER) نام دارد (دانسرو^۱، ۱۹۸۵). سرواژه MURDER از حروف اول کلمات زیر تشکیل یافته است. Mood (حال و هوا)، Understand (درک و فهم)، Recall (یادآوری)، Detect and Digest (درک و هضم)، Expand (بسط و گسترش) و Review and Respond (مرور و پاسخ). روش مردر صورت جدیدتر و تکمیل یافته‌تر روش PQ4R یا روش پس ختام است و از

نظریه‌ها پژوهش‌های روانشناسی خبرپردازی مشتق شده و لذا جنبه‌ی شناختی آن بیشتر است (گوئتز و همکاران^۱، ۱۹۹۲).

۳- روش آموزش دوجانبه:

روش آموزش دوجانبه^۲ یا روش آموزش متقابل تدبیر دیگری است که برای کسب مهارت‌های شناختی و فراشناختی مربوط به خواندن و فهمیدن ابداع شده است.

پالینسکار و براون^۳ (۱۹۸۴) که پدید آورندگان اصلی روش "آموزش دوجانبه" هستند بر این باورند که به کمک آن می‌توان به دانش‌آموزان دارای مشکلات خواندن و فهمیدن کمک کرد تا بر مشکلات خود فائق آیند. به کمک روش آموزش دوجانبه می‌توان چهار راهبرد با استراتژی را آموزش داد:

۱- سؤال کردن، ۲- خلاصه کردن، ۳- توضیح و روشن ساختن نکات پیچیده، و ۴- پیش بینی رویدادهای آینده.

۴- روش مطالعه مشارکتی^۴:

از دیرباز روش با هم مطالعه کردن یکی از روش‌های شناخته شده و مؤثر یادگیری در میان دانش‌آموزان و دانشجویان بوده است. در روش مطالعه مشارکتی یادگیرندگان به صورت دو نفری با هم کار می‌کنند و به نوبت خلاصه مطالبی را که می‌خوانند برای هم می‌گویند (دانسرو، ۱۹۸۵، نقل از سیف، ۱۳۸۶). ابتدا یکی از دو نفر یادگیرنده نقش توضیح دهنده را به عهده می‌گیرد و نفر دوم وظیفه‌اش گوش دادن است و در نوبت بعد نفر دوم توضیح می‌دهد و نفر اول گوش می‌کند.

۵- روش پرسیدن دوجانبه^۵:

روش دیگری که به افزایش سطح فراشناخت و به بهبود روش مطالعه کمک می‌کند روش پرسیدن دوجانبه یا پرسیدن متقابل است. این روش را مانزو^۶ (۱۹۷۹) ابداع کرده است.

پژوهش‌های انجام شده در رابطه با روش مردر تأثیر مثبت آن را بر بهبود یادگیری نشان داده‌اند. از جمله دانسرو (۱۹۸۵) چند تحقیق را ذکر کرده است که اثربخشی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر روش مردر را بر افزایش توانایی کسب و استفاده از دانش در افراد نشان می‌دهد (سیف، ۱۳۸۶).

کریر، ویلیامز و دالگارد^۷ (۱۹۸۸، نقل از همایونی و عبدالهی، ۱۳۸۲)، دریافتند که دانش‌آموزان با سبک‌های یادگیری گوناگون ترجیحات گوناگونی را برای یادگیری و یادداشت برداری استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان عینی‌تر (سازش یافته و واگرا) تمرین جدی برای یادداشت برداری انجام نمی‌دهند در حالیکه

-
1. Goetz et al.
 2. Reciprocal teaching
 3. Palinscar & Brown
 4. Cooperative script
 5. Reciprocal questioning (Request)
 6. Manzo
 7. Carriers & Williams & Dalgaard

دانش‌آموزان تجزیه - تحلیلی نگر (جذب کننده و همگرا) اطلاعات را مو به مو از سخنرانی‌ها و بحث‌ها یادداشت برداری می‌کنند. هادفیلد و مادوکس^۱ (۱۹۸۸، نقل از همایونی و عبدالهی، ۱۳۸۲)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین سبک وابسته به زمینه و مستقل از زمینه و اضطراب ریاضی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. آنها دریافتند که افراد وابسته به زمینه اضطراب ریاضی بیشتری را تجربه کرده و نمره‌های کمتری نسبت به افراد مستقل از زمینه بدست آورند. (وول فولک، ۲۰۰۴) بنابراین انتظار این است که یادگیرندگان وابسته به زمینه (FD) در جایی که متن یا زمینه مهم دارند مثل موقعیت‌های اجتماعی، ادبی و به طور کلی در زمینه‌های علوم انسانی موفق‌تر باشند. چون این نوع یادگیرندگان در این زمینه‌ها با مباحث کلی سروکار دارند نه جزئیات. برعکس، یادگیرندگان وابسته به زمینه در علوم پایه مانند ریاضیات، فیزیک و بخصوص در علمی که با جزئیات سروکار دارند به علت تجزیه و تحلیل آسانتر هدف‌های عینی عملکرد بهتری داشته باشند (اسلاوین، ۲۰۰۶).

پژوهش رضایی و سیف (۱۳۸۰) حاکی از این است که، یادگیرندگان گروه ریاضی به سبک وابسته به زمینه و یادگیرندگان گروه علوم انسانی به سبک وابسته به زمینه گرایش دارند. همچنین، دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های ریاضی بیش از دانش‌آموزان رشته ریاضی - فیزیک دوره دبیرستان ناوابسته اند.

کرمی (۱۳۸۱) به این نتیجه رسید که بین سبک‌های شناختی (کلب) با شیوه‌های مطالعه فراگیران تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان قوی و ضعیف تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

در پژوهش سیف و مصرآبادی (۱۳۸۲) نتایج نشان دادند که، استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی در افزایش درک و نگهداری متون درسی مؤثر است.

نتایج پژوهش همایونی و عبداللهی (۱۳۸۲) حاکی از این است که بین سبک‌های شناختی، سبک‌های یادگیری، مفهوم سازی انتزاعی و موفقیت تحصیلی دروس ریاضی و زبان انگلیسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

رضایی (۱۳۸۹) دریافت دانشجویان علوم پایه بیشتر از سبک یادگیری فعال ولی دانشجویان علوم انسانی بیشتر از سبک یادگیری نظریه پردازی استفاده می‌کنند. همچنین رابطه معنی‌داری بین سبک‌های یادگیری کلب (واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده) و رشته‌های تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه) مشاهده نشد.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- سبک‌های شناختی دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه چگونه است؟
- ۲- شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه چگونه است؟

فرضیه تحقیق

- ۱- بین سبک‌های شناختی (وابسته/ناپسته به زمینه) و شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سبک‌های شناختی (وابسته/ناپسته به زمینه) دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی نظری تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین شیوه‌های یادگیری و مطالعه دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی نظری تفاوت وجود دارد.

روش شناسی تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است.

جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری:

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی نواحی پنج‌گانه تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد، که برابر با ۶۸۲۱ نفر می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۴ نفر دانش‌آموز و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعیین و مورد مطالعه قرار گرفت.

ابزارهای اندازه‌گیری:

در این پژوهش از دو نوع پرسشنامه استاندارد شده برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آزمون گروهی اشکال نهفته (GEFT) برای ارزیابی سبک‌های شناختی وابسته به زمینه/ناپسته به زمینه و همچنین پرسشنامه استاندارد شده استراتژی‌های انگیزشی برای یادگیری (MSLQ) جهت شناسایی شیوه‌های مطالعه استفاده شده است.

الف: پرسشنامه استاندارد شده آزمون گروهی اشکال نهفته:

آزمون گروهی شکل‌های نهفته به وسیله ویتکن^۱ و همکاران برای ارزیابی سبک‌های شناختی وابسته به زمینه/ناپسته به زمینه در سال ۱۹۷۱ تهیه شد. این آزمون شامل ۲۵ تصویر پیچیده است و از آزمودنی خواسته می‌شود در هر تصویر یکی از اشکال هندسی ساده فرم نمونه را که در درون یک طرح پیچیده نهفته است پیدا کرده و پررنگ کند. آزمون از سه بخش تشکیل شده است. اشکال فرم نمونه نیز شامل هشت شکل هندسی ساده است که با حروف (الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ح) مشخص شده است. توانایی آزمودنی در یافتن اشکال هندسی ساده فرم نمونه، بدون این‌که به وسیله‌ی طرح پیچیده منحرف شود،

میزان وابسته به زمینه و یا وابسته به زمینه بودن را نشان می‌دهد. به ازای هر پاسخ صحیح یک نمره به آزمودنی تعلق می‌گیرد و تعداد کل پاسخ‌های درست بخش‌های دوم و سوم به عنوان نمره‌ی کل آزمون در ۱۸ پراکنده خواهد بود. نمره صفر سبک‌شناختی کاملاً وابسته به زمینه و نمره‌ی ۱۸ سبک‌شناختی کاملاً وابسته به زمینه را نشان می‌دهد (ویتکین، ۱۹۷۱). بدین ترتیب دامنه نمرات از صفر تا ۱۸ پراکنده خواهد بود. التمن^۱ و همکاران (۱۹۷۱) پایایی آزمون گروهی اشکال نهفته را با روش باز آزمایی هم برای مردان (N= ۸۰) و هم برای زنان (N= ۹۷) ۰/۸۲ گزارش کردند. این آزمون دارای سه بخش است. مطالعات تامپسون^۲ و ملانکون^۳ (۱۹۸۷) حاکی از امتیازات بالای روانسنجی این آزمون بوده و داده‌های محکمی مبنی بر اعتبار و روایی این مقیاس را مطرح نمودند (تامپسون و ملانکون ۱۹۸۹ به نقل از پیترز^۴، ۲۰۰۲). پایایی این پرسشنامه در این پژوهش نیز با استفاده از تکنیک آلفای کرون باخ ۰/۷ بدست آمد.

ب: پرسشنامه استاندارد شده استراتژی‌های یادگیری:

پرسشنامه استراتژی‌های انگیزشی برای یادگیری^۵ (MSLQ) توسط پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰)؛ نقل از رضایی و خدیوی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

برای اندازه‌گیری انگیزش و استفاده از استراتژی‌های شناختی و فراشناختی یادگیرندگان تهیه شده است. مقیاس استراتژی‌های یادگیری خود نظم دهی این پرسشنامه دارای ۲۲ سؤال است. که دو عامل استفاده از استراتژی‌های شناختی^۶ (استراتژی‌های مرور ذهنی، استراتژی‌های بسط‌دهی و استراتژی‌های سازمان‌دهی) و خود نظم‌دهی^۷ (استراتژی‌های فراشناختی، مدیریت شخصی و کنترل تلاش در انجام تکالیف) را اندازه‌گیری می‌کند که برای نمره گذاری سؤالات این پرسشنامه از مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت (۵= کاملاً موافق و ... ۱= کاملاً مخالف) استفاده می‌شود. برای سؤال‌های ۳-۴-۱۵-۱۶ به علت بار منفی سؤال‌ها، به صورت برعکس نمره‌گذاری گردید.

اعتبار پرسشنامه (MSLQ): توسط پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) برای بررسی روایی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی استفاده نمودند و برای مقیاس خود نظم دهی، دو عامل استفاده از استراتژی‌های شناختی و خود نظم دهی (استراتژی‌های فراشناختی، مدیریت شخصی و کنترل تلاش در انجام تکالیف) را به دست آوردند. خرده مقیاس استفاده از استراتژی‌های شناختی شامل ۱۳ سؤال بود که در برگیرنده استراتژی‌های مرور ذهنی، استراتژی‌های بسط‌دهی و استراتژی‌های سازمان‌دهی بود. استراتژی‌های فراشناختی و

-
1. Oltman
 2. Thompson
 3. Melancon
 4. Peters
 5. The Motivated strategies for learning questionnaire (MSLQ)
 6. Motivational beliefs
 - 7- Self-regulated learning strategies

مدیریت تلاش تحت عنوان خود نظم دهی نیز شامل ۹ سؤال بود. پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) برای بررسی پایایی پرسشنامه (MSLQ) نگرش در مدرسه از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند و برای دو مقیاس استفاده از استراتژی‌های شناختی و خود نظم دهی به ترتیب ضرایب آلفای ۰/۸۳ و ۰/۷۴ بدست آمد (نقل از رضایی و خدیوی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). پایایی این پرسشنامه در این پژوهش نیز با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ ۰/۷۹ بدست آمد.

یافته‌ها:

سؤال اول تحقیق: سبک‌های شناختی دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه چگونه است؟

جدول ۱. شاخص پراکندگی سبک‌های شناختی مورد مطالعه

متغیرها	تعداد	بالاترین نمره	کمترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
سبک‌های شناختی	۳۶۴	۱۸	۰	۱۱/۲۲	۴/۹

جدول (۱) بیانگر شاخص‌های توصیفی از جمله فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد نمونه مورد مطالعه در متغیر سبک‌های شناختی دانش‌آموزان است. چون نمره میانگین سبک‌های شناختی دانش‌آموزان ۱۱/۲۲ بدست آمده است و بیشتر از نمره ۹ می‌باشد، بنابراین سبک غالب شناختی دانش‌آموزان ناپسته به زمینه است.

سؤال دوم تحقیق: شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه چگونه است؟

جدول ۲. شاخص پراکندگی شیوه‌های مطالعه و یادگیری مورد مطالعه

متغیرها	تعداد	بالاترین نمره	کمترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
شیوه‌های مطالعه و یادگیری	۳۶۴	۵۸	۵۲	۸۴/۲۳	۹/۷۳

جدول (۲) بیانگر شاخص‌های توصیفی از جمله فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد نمونه مورد مطالعه در متغیر شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان است در جدول (۲) ملاحظه می‌گردد نمره میانگین شیوه‌های مطالعه و یادگیری ۸۴/۲۳ می‌باشد، که با درصدگیری از میانگین، میزان کاربرد شیوه‌های مطالعه و یادگیری در بین دانش‌آموزان ۷۷٪ و نسبتاً بالا بدست آمد.

فرضیه اول تحقیق: بین سبک‌های شناختی (وابسته/ناپسته به زمینه) و شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه رابطه وجود دارد.

جدول ۳. ضریب همبستگی متغیرهای سبک‌های شناختی و شیوه‌های مطالعه و یادگیری در آزمودنی‌ها

متغیرها	شیوه‌های مطالعه و یادگیری
سبک‌های شناختی	$r = ۰/۱۱$
	$p = ۰/۰۲$

جدول (۳) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی محاسبه شده، معنادار است. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود و بین دو متغیر رابطه مستقیم و ضعیف معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم تحقیق: بین سبک‌های شناختی (وابسته/ناوابسته به زمینه) دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی نظری تفاوت وجود دارد.

جدول ۴. میزان سبک‌های شناختی دانش‌آموزان بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	خطای استاندارد
متغیر سبک‌های شناختی	۱۴۴	۱۱/۱۶	۵/۱۲
رشته ریاضی	۱۰۷	۱۱/۴۳	۴/۶۴
رشته تجربی	۱۱۳	۱۱/۰۹	۴/۸۹

جدول شماره ۵. نتایج آزمون یکنواختی واریانس‌ها برای متغیر رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان و سبک‌های شناختی

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	p
سبک‌های شناختی	بین گروهی	۷/۲۴	۲	۳/۶۲	۰/۱۵	۰/۸۶
دانش‌آموزان	درون گروهی	۸۷۳۰/۲۸	۳۶۱	۲۴/۱۸		

جدول (۵) بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون F برای مقایسه میانگین متغیر سبک‌های شناختی با تفکیک رشته‌های تحصیلی است که نشان می‌دهد در این متغیر، تفاوت میانگین‌های گروه‌ها معنادار نیست. بنابراین، فرضیه تحقیق رد می‌شود و یعنی بین سبک‌های شناختی دانش‌آموزان بر اساس رشته‌های تحصیلی آنها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه سوم تحقیق: بین شیوه‌های یادگیری و مطالعه دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی نظری تفاوت وجود دارد.

جدول ۶. میزان شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی

شاخص‌های متغیر	تعداد	میانگین	خطای استاندارد
متغیر شیوه‌های مطالعه و یادگیری	۱۴۴	۸۵/۰۴	۸/۷۳
رشته ریاضی	۱۰۷	۸۵/۶۲	۱۰/۲۷
رشته تجربی	۱۱۳	۸۱/۸۹	۱۰/۰۸

جدول شماره ۷. نتایج آزمون یکنواختی واریانس‌ها برای متغیر رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان و شیوه‌های یادگیری

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	p
شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان	بین گروهی	۹۲۱/۷۷	۲	۴۶۰/۸۸	۴/۹۶	۰/۰۰۷
	درون گروهی	۳۳۴۸۸/۴۳	۳۶۱	۹۲/۷۶		

جدول (۷) بیانگر شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون F برای مقایسه میانگین متغیر سبک‌های شناختی با تفکیک رشته‌های تحصیلی است که نشان می‌دهد در این متغیر، تفاوت میانگین‌های گروه‌ها معنادار است. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و طبق آزمون تعقیبی LSD انجام گرفته بیشترین میزان کاربرد شیوه‌های مطالعه و یادگیری در بین دانش‌آموزان رشته تجربی با میانگین ۸۵/۶۲ می‌باشد و سپس دانش‌آموزان رشته ریاضی با میانگین ۸۵/۰۴ و در نهایت کمترین میزان استفاده از آن در بین دانش‌آموزان رشته انسانی با میانگین ۸۱/۸۹ می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری:

تحقیق حاضر به رابطه بین سبک‌های شناختی با شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان پرداخته شد. نتیجه تحقیق بیانگر وجود رابطه مستقیم و ضعیف بین سبک‌های شناختی با شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان است. به نظر رایدینگ و چیمبا (۱۹۹۱) سبک‌های شناختی می‌توانند با ایجاد راهبردهایی یادگیری تقویت شوند. در واقع؛ با آگاهی از سبک خود و نقاط قوت، می‌توانند به میزان بالای یادگیری دست یابند. مطالعات مسیک (به نقل از پیترز، ۲۰۰۲) نشان داد سبک‌های شناختی بر نحوه و میزان یادگیری فرد تأثیرگذار است. بنابراین با استفاده از سبک‌های شناختی مناسب و همچنین مؤلفه‌های مربوط با راهبردهای مطالعه می‌توان بهترین شیوه یادگیری را در بین دانش‌آموزان ترویج نموده و به بهبود عملکرد تحصیلی آنها اهتمام ورزید. پژوهش بکمان (۲۰۰۲) در مورد راهبردهای شناختی و فراشناختی نشان داده است که استفاده از آموزش‌های ویژه به افزایش یادگیری یادگیرندگان منجر می‌شود. در واقع تشخیص روش‌های مناسب و سبک‌های شناختی مناسب منجر به بهبود یادگیری و آموزش می‌گردد. کرمی (۱۳۸۱) دریافت که بین سبک‌های شناختی (کلب) با شیوه‌های مطالعه فراگیران تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحقیق متولی (۱۳۸۶) نشان داد که، آموزش راهبردهای شناختی و فراشناختی هم با درک مطلب و هم با سرعت یادگیری دانش‌آموزان مرتبط است. با توجه به مطالب ذکر شده و بر اساس نتیجه حاصله از این فرضیه می‌توان گفت که سبک‌های شناختی به صورت مستقیم می‌تواند منجر به بهبود شیوه‌های یادگیری در بین دانش‌آموزان و دانشجویان گردد، اما با توجه به رابطه تقریباً ضعیفی که در یافته‌ها به دست آمد می‌توان گفت که در بین دانش‌آموزان و مدارس روش‌های صحیح مطالعه و سبک‌های شناختی تقریباً مبحثی مبهم و گمنام می‌باشد، لذا در صورت آموزش روش‌های صحیح مطالعه و همچنین انتخاب سبک‌های صحیح شناختی به دانش‌آموزان می‌توان در آینده شاهد پیشرفت چشمگیر آنها در امر یادگیری و آموزشی بود. نتیجه دیگر این تحقیق نشان داد که سبک‌های شناختی دانش‌آموزان رشته‌های نظری تفاوت معنی‌داری ندارند. کرمی (۱۳۸۱) نیز دریافت شیوه‌های مطالعه دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف، متفاوت نمی‌باشد. با توجه به نتایج حاصله در این فرضیه می‌توان چنین برداشت نمود که علی‌رغم دانش‌آموزان و دانشجویان سایر کشورها، متأسفانه در کشور ایران دانش‌آموزان نه با توجه به علائق و توانایی‌های شخصی بلکه بر اساس نظرات والدین، رقابت با دوستان و هم‌سالانشان به انتخاب رشته تحصیلی می‌پردازند. بنابراین در این پژوهش تفاوتی بین دانش‌آموزان رشته‌های انسانی با تجربی و ریاضی مشاهده نشد. البته با توجه به تنوع رشته‌های تحصیلی در ده سال اخیر در کشور بالاخص رشته‌هایی که به صورت مستقیم دانش‌آموزان را با مدرک دیپلم وارد بازار کار می‌کنند، برخی از دانش‌آموزان باهوش و افرادی که دارای سبک‌های ناپسته به زمینه می‌باشند، جهت یافتن شغلی پر درآمد و زودبازده به سمت اینگونه رشته‌ها سوق یافته‌اند، لذا این عدم تفاوت می‌تواند ناشی از این مقوله باشد.

نتیجه دیگر پژوهش نشان می‌دهد که شیوه‌های مطالعه و یادگیری در بین دانش‌آموزان رشته‌های مختلف، متفاوت است و بیشترین میزان کاربرد شیوه‌های مطالعه و یادگیری در بین دانش‌آموزان رشته‌های تجربی و ریاضی و کمترین میزان استفاده از آن در بین دانش‌آموزان رشته انسانی می‌باشد. کرمی (۱۳۸۱) همچنین دریافت شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان قوی و ضعیف بر اساس رشته‌های تحصیلی تفاوت وجود دارد. با توجه به نتایج این فرضیه مبنی بر کاربرد شیوه‌های مطالعه و یادگیری در بین دانش‌آموزان رشته‌های تجربی و ریاضی و پائین بودن آن در بین دانش‌آموزان رشته انسانی می‌توان چنین برداشت نمود که دانش‌آموزانی که از نظر هوش دارای کارایی بالایی هستند و به انتخاب رشته‌های ریاضی و تجربی سوق می‌یابند، از لحاظ شیوه‌های مطالعه و یادگیری نیز نه به صورت حفظی و طوطی‌وار، بلکه به صورت کاربردی و قابل فهم مطالعه انجام می‌دهند. ولی دانش‌آموزان رشته‌های انسانی با توجه به نوع کیفیت که به صورت حفظی و نه حل کردنی می‌باشد از روش‌های مطالعه و یادگیری مناسب اطلاع چندانی ندارند. لذا در صورت آموزش شیوه‌های مطالعه و یادگیری به دانش‌آموزان رشته‌های غیر فنی نظیر انسانی می‌توانیم شاهد پیشرفت تحصیلی آنها در رشته‌های خویش باشیم. لذا پیشنهاد می‌شود در مدارس و توسط مسئولین بالادست معلمین مدرسه روش‌های صحیح مطالعه و یادگیری آموزش داده شود و همچنین در امر تدریس از روش‌های مشارکتی بهره گرفته شود تا دانش‌آموزان نیز بتوانند ویژگی‌های درونی خویش را متبلور نموده و با آموزش روش‌های صحیح مطالعه و یادگیری، عملکرد تحصیلی قابل قبولی داشته باشند. همچنین می‌توان به والدین پیشنهاد داد، با مشاوران زبده جهت شناسایی ویژگی‌ها و توانایی‌های فرزندان‌شان و همچنین همکاری با اولیاء مدرسه به بهبود یادگیری و عملکرد تحصیلی فرزندان‌شان اهتمام ورزند. از آنجا که نتایج پژوهش نشان داد، شیوه‌های مطالعه و یادگیری در بین دانش‌آموزان رشته‌های انسانی در سطح پائین می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌شود برای دانش‌آموزان این رشته تحصیلی روش‌های صحیح مطالعه و یادگیری آموزش داده شود. به طوری که با برگزاری کلاس‌های توجیهی در خصوص آموزش مراحل حافظه و چگونگی پردازش نمودن اطلاعات دروس و همچنین آگاهی از دلایل فراموشی و عدم بازیابی، دانش‌آموزان را در جهت یافتن روش‌های صحیح مطالعه و یادگیری رهنمون سازند. همچنین با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر عدم آگاهی و شناخت سبک‌های شناختی در بین دانش‌آموزان، لذا پیشنهاد می‌شود دبیران در فرآیند تدریس به راهبردهای شناختی و نحوه یادگیری و مطالعه آموزش‌های لازم را به دانش‌آموزان بدهند.

منابع

- آزادی، مه‌ران. (۱۳۸۷). پیشرفت تحصیلی و روش‌های تدریس در دانشجویان با سبک‌های شناختی مستقل/وابسته به زمینه. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ابرامی، هوشنگ. (۱۳۷۵). کتاب و پدیده کم‌رشدی. تهران: مرکز اسناد آسیا.
- الهی، طاهره. (۱۳۸۱). ارتباط سبک‌های یادگیری وابسته/ناپسته به زمینه و پیشرفت در یادگیری زبان انگلیسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- بنتهام، سوزان. (۱۳۸۹). روانشناسی تربیتی، ترجمه: اسماعیل بیابانگرد و علی نعمتی، تهران: رشد.
- خرازی، علینقی. (کمال) و رمضان. دولتی. (۱۳۷۵). راهنمای روانشناسی شناختی و علم شناخت، تهران: نشر نی.
- رضایی، اکبر. (۱۳۸۹). مقایسه شیوه‌ها و سبک‌های یادگیری دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه پیام نور، خلاصه مقالات اولین همایش ملی روانشناسی دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی.
- رضایی، اکبر و اسدالله. خدیوی. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر مبانی نظری و سنجش فراشناخت، تبریز: شایسته.
- رضایی، اکبر و علی‌اکبر. سیف. (۱۳۸۰). مقایسه‌ی سبک‌های یادگیری (وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه) دانش‌آموزان و دانشجویان گروه‌های علوم انسانی و ریاضی مدارس و دانشگاه‌های شهر تهران، نشریه پژوهشکده تعلیم و تربیت، سال هفدهم، شماره ۴. صفحات ۶۱-۶۷.
- سیف، علی‌اکبر و جمشید. مصرآبادی. (۱۳۸۲). اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری بر سرعت خواندن، یادداری و درک متون مختلف، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ۱۹، شماره ۲، ۵۴-۳۷.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی، روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران: آگاه.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی نوین، تهران: انتشارات آگاه.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). روش‌های یادگیری و مطالعه، تهران: نشر دوران، ویرایش دوم.
- کرمی، رزاق. (۱۳۸۱). بررسی رابطه سبک‌های یادگیری با شیوه‌های مطالعه و یادگیری در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان چاروایماتی ۸۱-۸۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تبریز.
- لفرانسوا، گای. آی. (۱۳۸۰). روانشناسی برای معلمان، ترجمه: هادی فرجامی، مشهد: شرکت به نشر.
- متولی، سیدمحمد. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی بر خواندن، درک مطلب و سرعت یادگیری دانش‌آموزان کلاس اول دبیرستان‌های دخترانه شهرستان فردوس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- همایونی، علیرضا. و محمدحسین. عبداللهی. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین سبک‌های یادگیری و سبک‌های شناختی و نقش آن در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، مجله روانشناسی ۲۶، سال هفتم، شماره ۲.

وطن پرست اقدمی، علی. (۱۳۸۰). بررسی رابطه مؤلفه‌های یادگیری خودنظم داده شده با منبع کنترل در دانش‌آموزان سوم دبیرستان شهرستان ارومیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تبریز: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز.

Beckman, P. (2002). **Strategy instruction** Eric Digest, 23.

Forrest S. (2004). **Learning and teaching: the reciprocal link**. J Contin Educ Nurs, 35(2): 74-9.

Goetz, E.T., Alexander, P.A., & Ash, M.J., (1992). **Educational psychology: A classroom perspective**, Max weel macmillan international. No. 11, v., 1988, Lost in a book, Yale university press. New Haven.

Palinscar, A.S., & Brown, A.L. (1984). **Reciprocal teaching and comprehension monitoring activities**. Cognition and instruction, 2, 117-175.

Peters, R.T. (2002). Cognitive learning style: A review of the field dependent-field independent approach, **Journal of Vocational Education and Training**, 54, 117-132.

Reid, G. (2003). **Dyslexia a practitioners handbook** (3rd ed), Wily & Sons Ltd.

Riding, R.J., and Cheema. I. (1991). Cognitive styles - An overview and integration. **Educational Psychology**, pp 193 - 215.

Slavin, R.E. (2006). **Educational psychology** (3rd ed.) Practice (8th ed.). New York: Pearson.

Vermigli, P., & Toni, A. (2004). Attachment and field dependence: individual differences in information processing. **European Psychologist**, 1, 43-55.

Witkin, H., Morre, C., Goodenough, D., & Cox, P. (1971). **Field-dependent and field-independent cognitive styles and their educational implications**. Review of Educational Research, 47, 1-64.

Woolfolk. A.E. (2004). **Educational psychology** (9th ed). Boston: Allyn and Bacon.